



شناسایی حقوق فرهنگی - آموزشی شهروندان و راهبردهای تحقق آن در نظام تعلیم و

تربیت ایران

Citizen's Cultural and Educational Rights and Strategies for Their Realizations in Iran's Education System

تاریخ دریافت مقاله: ۱۶/۰۸/۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۰۹/۰۳/۱۴۰۱

عیسی اردلان^۱ابراهیم یاقوتی^۲

I. Ardalan

E. Yaghoti (Ph.D)

Abstract: The present research was conducted in order to identify cultural and educational indices of citizen's rights and strategies for their realizations in Iran's education system. This is a qualitative and applied research. Given its two-step nature, it was carried out by combining document content analysis and Delphi technique. The statistical sample of document content analysis consisted of international, and national higher level documents and Islamic books from which the cultural and educational indices of citizen's rights were extracted. Then, these indices were screened by Delphi technique in the form of a questionnaire with open ended questions and interviewing with 15 educational experts. Next, the mechanisms for their realizations in Iran's education system were proposed. The results showed that the main cultural and educational indices of the citizen's rights include intellectual property, freedom of religion, freedom of speech, cultural partnership, free information access, and education. The experts interviewed on Delphi technique suggested four main mechanisms - cultural and regulative, protective and motivational, legal and regulative - in 17 operational strategies in order to cultural and educational rights be realized in Iranian schools' education system.

Keywords: cultural rights of citizenship, educational rights of citizenship, education, content analysis, Delphi technique

چکیده: مقاله حاضر با هدف شناسایی شاخص‌های فرهنگی - آموزشی حقوق شهروندی و سازوکارهای تحقق آنها در نظام تعلیم و تربیت ایران تدوین و اجرا شده است. نوع پژوهش کیفی و بر اساس هدف از نوع کاربردی است. در این پژوهش با توجه به ماهیت دو مرحله‌ای آن، از تلفیق دو روش تحلیل محتوای اسناد و تکنیک دلفی استفاده شده است. نمونه آماری بخش تحلیل محتوای اسنادی را اسناد بالادستی بین‌المللی، ملی و کتب مذهبی اسلام تشکیل می‌دهند که شاخص‌های حقوق فرهنگی-آموزشی شهروندی از آنها استخراج شده است. این شاخص‌ها در ادامه با پیاده سازی تکنیک دلفی در قالب پرسشنامه باز پاسخ، در مصاحبه با پانزده نفر از خبرگان آموزشی غربال شد و سازوکارهای تحقق آنها در نظام تعلیم و تربیت ایران ارایه و پیشنهاد گردید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است شاخص‌های اصلی حقوق فرهنگی - آموزشی شهروندی شامل حق بر مالکیت معنوی، آزادی مذهب، آزادی بیان، مشارکت فرهنگی و حق دسترسی آزاد به اطلاعات و حق آموزش هستند. خبرگان مورد مشورت در تکنیک دلفی نیز چهار سازوکار اصلی شامل سازوکارهای «فرهنگی و نظارتی»، «حمایتی و انگیزشی»، قانونی و نظارتی را در قالب هفده راهکار عملیاتی به منظور ایفای حقوق فرهنگی - آموزشی در نظام تعلیم و تربیت مدارس ایران پیشنهاد نمودند.

کلیدواژه‌ها: حقوق فرهنگی شهروندی، حقوق آموزشی شهروندی، تعلیم و تربیت، تحلیل محتوا، فن دلفی

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ardalan.eisa@gmail.com

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

yaghouti2010@yahoo.com

(نویسنده مسئول)

مقدمه

حقوق شهروندی بر اصولی همچون کرامت انسانی، صیانت از حقوق و آزادی‌های غیرقابل سلب، حاکمیت مردم، برخورداری همه مردم از حقوق انسانی مساوی، منع تبعیض و حمایت یکسان قانون از همه افراد مبتنی است (روحانی، ۱۳۹۵: ۳۳). شهروندی از دیدگاه مارشال^۱ به عنوان نظریه‌پرداز، مطرح این حوزه، جایگاهی اجتماعی است که در رابطه با دولت با سه نوع حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی همراه است (محسنی، ۱۳۹۸: ۱۱۹). مارشال مؤلفه مدنی شهروندی مانند آزادی بیان و حق بر مالکیت را در جهت تضمین آزادی اشخاص ضروری تلقی می‌کند. مؤلفه سیاسی شهروندی متشکل است از آن دسته حق‌هایی که با قدرت سیاسی و حق بر انتخابات آزاد رابطه دارند و نهایتاً مؤلفه اجتماعی شامل آن دسته از حق‌هایی می‌شود که برای شخص رفاه اقتصادی و امنیت به ارمغان می‌آورد (مارشال، ۱۹۵۶).

از نظر فیتزپتریک^۲ دو شرط وجود دارد که شهروندی بر آنها مبتنی است. اول، وجود دولت تکثرگرا و دموکراتیک، چراکه دولت‌های دیکتاتوری و سلطنتی شهروند ندارند، بلکه دارای رعیت یا تبعه هستند. دوم، وجود جامعه مدنی باز و آزاد (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۲۱). شهروندی در فضای جامعه مدنی معنا می‌یابد. جامعه مدنی در واقع یک فضای عمومی و مشارکتی را فراهم می‌آورد که در آن شهروندان بتوانند آزادانه در امور عمومی مباحثه کنند، عقاید خود را به سمع حاکمان برسانند و در تصمیم‌سازی‌ها و اجرای تصمیمات دخالت کنند (زاتکوا^۳، ۲۰۱۶: ۳۷۳-۵). به تعبیر دیگر، شهروندی و جامعه مدنی از ابعاد ضروری یک جامعه دموکراتیک به شمار می‌آیند (کاتانو^۴، ۲۰۱۳: ۶).

اکنون قرائت‌های جدید پیرامون شهروندی اغلب به عنوان جایگزینی برای قرائت‌های سنتی ارائه می‌شوند که در آنها شهروند کسی است که به عنوان عضوی از جامعه سیاسی در کنار سایر شهروندان از حقوق و مسئولیت‌هایی برابر بهره‌مند است (بلامی^۵، ۲۰۱۴: ۱). در تحولات و قرائت‌های اخیر مفهوم شهروندی، مفهوم شهروندی فرهنگی نیز مطرح شده است.

-
1. Marshall
 2. Fitzpatrick, Tony
 3. Dzatkova
 4. Caetano
 5. Bellamy

شناسایی حقوق فرهنگی - آموزشی شهروندان و راهبردهای تحقق آن در...
ما جملگی شهروندانی فرهنگی هستیم که در ارتباط با فرهنگ خاصی که داریم، و این فرهنگ عمدتاً ما را به صورتی که هستیم ساخته است، دارای حقوق هستیم (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۵۳).
بر این اساس شهروند برخوردار از منابع فرهنگی است که تعلیم و تربیت و آموزش از جمله مهمترین آنها است.

«حقوق شهروندی - فرهنگی»^۱ و حقوق شهروندی - آموزشی^۲ تحت تاثیر چهار مفهوم حقوق، شهروند، فرهنگ و آموزش قرار دارند. مفهوم حقوق اعم از اینکه منشاء طبیعی یا وضع شده و محصول جامعه یا نهادهای آن باشد بعضی ویژگی‌های اساسی دارد؛ از آنجمله اینکه حقوق بنیادی است، جنبه عام و فراگیر دارد، دال بر خودمختاری است، متعلق به افراد است، از افراد در برابر استفاده نامشروع و خودسرانه از قدرت حمایت می‌کند، به تکالیف وابسته است، به عدالت مربوط است و باید اعمال شدنی باشد (فریدن^۳، ۱۹۹۰). فرهنگ نیز به عنوان پدیده‌ای اکتسابی، انتقال‌پذیر، پویا و آموختنی در بطن جامعه و شهر قابل تحقق است. ترنر^۴ (۲۰۰۶) بر مبنای دیدگاه جامعه‌شناختی خود موضوع شهروندی فرهنگی را به نهادهای اجتماعی جامعه معطوف کرده که این نهادهای اجتماعی هر کدام بیان‌کننده نوع خاصی از حقوق شهروندی و الزاماتی است که شهروندان باید نسبت به انجام آن حقوق در یک نظام سیاسی انجام دهند (فتحی و ثابتی، ۱۳۹۱). از دید ترنر در حقوق شهروندی، شهروند مدعی برخورداری از منابع ملی می‌شود و دارای منابع مهم اقتصادی چون مسکن، درآمد، منابع سیاسی، آزادی بیان و منابع فرهنگی چون تعلیم و تربیت و آموزش است (شیانی و دالوند، ۱۳۹۰). ترنر (۲۰۰۱) معتقد است شهروندی فرهنگی به مشارکت فرهنگی افراد در جامعه مربوط می‌شود و شهروند فرهنگی کسی است که خود را نسبت به مشارکت در امور مربوط به فرهنگ عمومی جامعه مسئول بداند. لازمه تحقق این مشارکت فرهنگی، به رسمیت شناختن حق برخورداری افراد از منابع فرهنگی چون تعلیم و تربیت و آموزش و تحقق آن است.

-
1. Citizenship-Cultural Rights
 2. Citizenship-Educational Rights
 3. Freedden, M
 4. Turner
- ۲۰۹

اهمیت برخورداری از حقوق آموزشی از آن جهت ضروری است که آموزش اجازه توسعه شخصیتی، خودگردانی فکری، ورود به زندگی حرفه‌ای و مشارکت در توسعه اجتماعی در زمینه دموکراسی را به فرد اعطا می‌کند. آموزش موجبات فراگیری مهارت‌های کلیدی برای توسعه شخصیت به عنوان زیر ساختی برای آموختن برای تمام عمر، راهنمای اولیه شغلی، دانش، ارزش‌ها و توانمندی‌های مورد نیاز برای رشد فردی را فراهم می‌آورد. مفهوم آموزش به دو حوزه آموزش مهارت‌ها و بهبود کیفیت آموزش در جهت آموختن این مهارت‌ها، تقسیم می‌گردد. از منظر کنوانسیون منع تبعیض در آموزش یونسکو، آموزش: «همه انواع و سطوح آموزش را در بر می‌گیرد و شامل دسترسی به آموزش، استانداردها و کیفیت آموزش و شرایطی است که در آن (آموزش) ارائه می‌شود. حق بر آموزش به عنوان یکی از حق‌های بشر به عنوان یک حق توانمند ساز مطرح گردیده است. حق توانمند ساز^۱ برای فرد قابلیت نظارت بر مسیر زندگی‌اش و به طور خاص نظارت بر دولت را فراهم می‌آورد.» (کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش پاریس، ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰).

از سویی آموزش در چهارچوب گفتمان حق‌های بشری قرار گرفته است؛ چرا که نقش اندیشه، دانش، معرفت و آگاهی در پاسداری و حفاظت از کرامت انسانی افراد نقشی یگانه و انکار ناپذیر است. در چهارچوب حق‌های بشری^۲؛ حق آموزش، حق چند وجهی^۳ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. حقی اجتماعی است چرا که نقش بسیار مهمی در توسعه پایدار و ارتقاء شخصیت انسانی دارد، حقی اقتصادی است چرا که نقش اصلی در آماده سازی فرد برای بر عهده گرفتن شغل و تبع آن کسب درآمد متکافی را دارد و نهایتاً آنکه حقی فرهنگی است به این دلیل که آموزش، جامعه بین‌المللی را به سوی بنیان نهادن فرهنگ حقوق بشر راه می‌نماید. حق آموزش در زمره حق‌هایی است که در طبقه بندی رایج از حقوق بشر، در زمره حق‌های نسل دوم قرار می‌گیرد. این حق برای اولین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر^۴ مطرح گردید و پس از آن در اسناد و اعلامیه متعدد دیگری نیز جلوه یافت. به طور کلی حق بر آموزش به عنوان یک حق بشری به این معناست که «هر فرد حق دارد که از آموزش و پرورش

-
1. Empowerment Right
 2. Human Rights Discourse
 3. Multi Facet.
 4. Universal Declaration Of Human Rights

شناسایی حقوق فرهنگی - آموزشی شهروندان و راهبردهای تحقق آن در... بهره مند گردد.» آموزش ابتدایی باید رایگان و اجباری باشد و آموزش عالی نیز تا حد امکان گسترش یابد و به طور مساوی و بدون تبعیض در دسترس همگان باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز هر چند آموزش به عنوان یک حق مورد اشاره قرار نگرفته است اما در اصل سوم دولت ملزم گردیده که تمام امکانات خود را برای دستیابی به آموزش و پرورش رایگان در تمام سطوح به کار گیرد.

بر اساس آنچه گذشت در میان حقوق مختلف شهروندی، حق فرهنگی و آموزشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند؛ زیرا این دو دسته از حقوق بعنوان حقوق توانمندساز، مطرح شده و می‌توانند برای افراد، قابلیت نظارت بر مسیر زندگی خود و همچنین نظارت بر دولت را فراهم آورند؛ با این وجود مساله اساسی عدم شناخت و آگاهی ناکافی و در نتیجه کاربست مهجور این حقوق در زندگی شهروندان است (جووری، محمدی مقدم، قهرمانی قاجار و حسن مرادی ۱۳۹۸).

اصول و مبانی حقوق فرهنگی - آموزشی در اسناد مختلف به صورت صریح و ضمنی مورد تأکید و اشاره قرار گرفته‌اند. نه تنها حکومت‌های ملی بلکه نهادهای حقوق بشر بین-المللی نیز اسنادی را در جهت تأکید بر این حقوق منتشر نموده‌اند. در کنار این دو نوع سند حقوقی، تحلیل محتوای اسناد مذهبی از جمله قران و روایات معصومین نیز می‌تواند برای بررسی رویکرد مکتب اسلام به این بعد مهم حقوق شهروندی مد نظر قرار گیرد. بررسی و تحلیل محتوای این اسناد برای استخراج شاخص‌های حقوق شهروندی در ابعاد فرهنگی و آموزشی از آن جهت در این پژوهش مد نظر قرار گرفته است که نبود شناخت و آگاهی کافی از این حقوق باعث کاهش بهره‌وری زندگی فردی و اجتماعی شهروندان می‌شود.

هرچند این دو بعد مهم حقوقی، به موجب اسناد مذکور به رسمیت شناخته شده است، اما توجه چندانی به شاخص‌ها و چگونگی تحقق آن در نظام تعلیم و تربیت ایران نشده است. مرور پژوهش‌های انجام یافته در حوزه حقوق شهروندی که به برخی از آنها در بخش پیشینه پژوهش نیز اشاره شده است، نشان دهنده حلاء مهمی در حوزه مطالعات حقوق شهروندی و پژوهش‌های فرهنگی و آموزشی است که برای پر کردن آن تدوین و انجام این پژوهش ضروری به نظر می‌رسید. بر این اساس پژوهش حاضر به منظور دستیابی به پاسخ سوالات زیر طراحی و انجام یافته است:

- شاخص‌های فرهنگی - آموزشی حقوق شهروندی در سطح ملی و بین‌المللی کدامند؟
- از نظر خبرگان برای تحقق این حقوق در نظام تعلیم و تربیت مدارس ایران، دولت چه تدابیر و راهکارهایی می‌تواند اتخاذ نماید؟

پیشینه پژوهش

هر چند در جستجوهای متعدد، پژوهشی که به صورت مستقیم به موضوع پژوهش بپردازد وجود ندارد؛ با این‌همه پژوهش‌های زیر کم و بیش برای پیش زمینه ذهنی و آرایه بینش و الگوی اولیه مفید خواهند بود.

- پژوهش طاهری و جمالی (۱۳۹۵) با طرح این سؤال که «مبانی انسان‌شناختی حقوق فرهنگی بشر چیست؟» به روش تحلیل کیفی محتوا با نگرشی انسان‌شناسانه به ارزیابی این فرضیه پرداخته‌اند که «حقوق فرهنگی بشر ریشه در طبیعت انسان و ساختمان بدن او دارد». یافته‌ها دلالت بر آن داشت که مطالعه و بررسی تعریف، پیدایش، ساختمان بدن و آناتومی و شیوه‌ی زیست انسان و رابطه‌ای که با فرهنگ دارد نشان دهنده‌ی این است که انسان موجودی است فرهنگی و حقوق فرهنگی خاستگاهی در طبیعت انسان داشته و برای حمایت و ارتقای حقوق فرهنگی بشر، باید بر تطابق این حقوق با منشاء انسان-شناختی آن تأکید ورزید.

- پژوهش کیفی طراحی و ارائه الگوی سنجش توسعه فرهنگی در کشور ایران با استفاده از نظریه داده بنیاد با هدف طراحی و ارائه الگوی سنجش توسعه فرهنگی در کشور با استفاده از طرح نظام‌مند نظریه داده بنیاد توسط عبدی و کاوسی (۱۳۹۳) انجام شده است. داده‌های این پژوهش با استفاده از روش مشاهده مشارکتی، تکنیک مصاحبه باز و عمیق و نیز مطالعه اسناد و منابع مرتبط جمع‌آوری شده و با استفاده از تکنیک مثلث سازی ترکیب شده‌اند. روش نمونه گیری مورد استفاده از نوع نمونه گیری نظری و هدفمند بوده و طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی و استفاده از نرم افزار اطلس. تی^۱ داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفته‌اند و در نهایت شاخص‌های سنجش توسعه

شناسایی حقوق فرهنگی - آموزشی شهروندان و راهبردهای تحقق آن در...

فرهنگی در کشور در قالب ۶ بعد اصلی، ۲۲ مولفه و ۸۴ شاخص عملیاتی طبقه بندی شده‌اند.

- نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل آماری تحقیق کاوسی (۱۳۹۷)، با عنوان ارزیابی جایگاه مولفه‌های حقوق فرهنگی در نظام توسعه فرهنگی ایران، مشخص نمود که ارتباط معنادار و مستقیمی بین مولفه‌های حقوق فرهنگی و توسعه فرهنگی کشور وجود دارد.
- پژوهش «تعهدات فرهنگی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل نیز با تأکید بر آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در زمینه حق‌های فرهنگی»، با هدف بررسی این موضوع که محاکم بین‌المللی تا چه اندازه در پرداختن به حق‌های فرهنگی که نمونه بارز تعهدات فرهنگی دولت‌ها است، مصمم و جدی هستند و چالش‌های آنها در خصوص این موضوع چیست انجام شده است. یافته‌های این پژوهش حاصل نشان می‌دهد که تعهدات فرهنگی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل صرفاً تعهداتی انتزاعی و تئوریک نیستند، بلکه تعهداتی عملی هستند که این موضوع در آرای دیوان انعکاس یافته است و صرف پرداختن به تعهدات فرهنگی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل بدون اشاره موردی به دستاوردهای دیوان، تکراری و بدیهی است (نیسی و مشهدی، ۱۳۹۷).
- زنجانی و حیدرنژاد (۱۳۹۸) در تحقیق خود به بررسی وضعیت حقوق فرهنگی در فرمان حکومتی حضرت رسول (ص) به معاذ بن جبل با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداختند و به این دستاورد رسیدند که برای ایجاد جامعه توحیدی باید احکام الهی توسط حکومت به شهروندان آموزش داده شود، دولت قوانین و دستورات الهی را به صورت حداکثری اجرا کند، حاکمیت اسلام در همه شئون ظاهر و آشکار باشد، شهروندان در جامعه بر اساس جایگاه و شایستگی منزلت یابند، سعی بر بالا بردن رضایتمندی مردم از حکومت در پرتو فرامین الهی باشد، وفق و مدارا سرلوحه امور قرار گیرد، تعلیم، تربیت، موعظه و ارشاد مردم مغفول نماند، قدرت حاکمه در جایگاه معلم جامعه اسلامی به ایفای نقش پردازد و اهتمام تامی به امور عبادی به‌عنوان مظاهر توحیدی بودن جامعه اسلام وجود داشته باشد. همه این وظایف در راستای تأمین حقوق فرهنگی جامعه باید توسط حاکمیت به‌خوبی اجرا شود تا هدف غایی حکومت اسلامی که نورانی ساختن جامعه انسانی و رساندن انسان به مقام خلیفه‌اللهی سعادت است، محقق

شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز که برگرفته از فقه^۱ امامیه و روایات اهل بیت علیهم السلام است، در اصول مختلف به صورت مستقیم و غیرمستقیم به وظیفه حکومت اسلامی در ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوا و مبارزه با فساد و تباهی برای تأمین حقوق فرهنگی ملت تأکید کرده است.

- نتایج تحقیق میرباقری و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان حقوق فرهنگی شهروندی از نگاه فقهی، نشان داد که چنانچه اصول و قواعد اساسی شامل اصل اعتدال^۲، مدارا^۳، قانونمندی^۴ و قانون مداری و عدالت ورزی^۵، میزان و عیار اعمال شهروندان جامعه اسلامی قرار بگیرد، بلوغ فرهنگی کامل کننده حقوق شهروندی اسلامی خواهد شد.

- بخارایی و همکاران (۱۳۹۶) با هدف تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی در شهر تنکابن و مطالعه عوامل تأثیرگذاری همچون سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی بر شهروندی فرهنگی، تحقیقی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی برای شهروندان تنکابن» انجام دادند که نتایج این تحقیق نشان داد شهروندان تنکابنی از سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی بالایی برخوردارند ولی در فرهنگ شهروندی تمایل شهروندان برای انجام تعهدات آن بیشتر از میزان آگاهی از حقوقی است که دارند. طبق نتایج فرضیه‌های این تحقیق، افزایش در سرمایه فرهنگی شهروندان بر میزان فرهنگ شهروندی افراد تأثیرگذار بوده و فرهنگ شهروندی که شامل آگاهی از حقوق و تمایل برای انجام تعهدات شهروندی است بر متغیر وابسته شهروندی فرهنگی تأثیر مستقیم (۰/۴۷) و سرمایه فرهنگی فقط تأثیر غیرمستقیم (۰/۴) بر شهروندی فرهنگی داشته‌اند.

- تحقیق «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر ارتقاء فرهنگ شهروندی» نیز بمنظور شناسایی و بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر ارتقاء فرهنگ شهروندی توسط مهدوی و عاشوری (۱۳۹۳) انجام شده است. این تحقیق ضمن مروری بر فضای مفهومی

-
1. Jurisprudence
 2. The Principle Of Moderation
 3. Tolerance
 4. Legitimacy
 5. Justice

شناسایی حقوق فرهنگی - آموزشی شهروندان و راهبردهای تحقق آن در... موضوع، از تئوری شهروندی پارسونز، مارشال، ترنر و هابرماس برای تبیین موضوع بهره گرفته است و با عنایت به فرضیاتی که از این تئوری‌ها اخذ شده به شناسایی تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی بر ارتقاء فرهنگ شهروندی پرداخته است. نتایج بدست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که متغیرهای آگاهی از حقوق شهروندی، آگاهی از رویدادها و مناسبات داخلی و خارجی، مسئولیت پذیری و رسانه بر ارتقای فرهنگ شهروندی تأثیر دارند همچنین متغیرهای قانون مداری، منافع جمعی، عام گرای، دسترسی به مراکز فرهنگی، درآمد و مسکن رابطه معنی داری را با متغیر وابسته نشان ندادند.

در مجموع، مرور این پژوهش‌ها نشان می‌دهد خلاء بزرگ پژوهشی در زمینه شیوه‌های تحقق شاخص‌های حقوق شهروندی در دو بعد فرهنگی و آموزشی در نظام تعلیم و تربیت ایران و از منظر اسناد ملی، بین‌المللی و مذهبی وجود دارد. حتی در زمینه حقوق شهروندی آموزشی تحقیقات با رویکرد آموزش حقوق شهروندی انجام گرفته است که کاملاً متمایز از مبحث حقوق شهروندی آموزشی می‌باشد. برخی از آثار به تأثیر زمینه‌های ساختاری همانند دسترسی به منابع و برخورداری از امکانات با آگاهی به حقوق و وظایف شهروندی و آموزش آن پرداخته‌اند (شیانی، ۱۳۸۲). برخی آثار نیز با رویکرد برنامه‌ریزی آموزشی به شناسایی نقاط ضعف در شناخت حقوق و وظایف شهروندی و محورهای مورد نیاز برای آموزش معطوف شده‌اند (لطف آبادی، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵؛ لطف آبادی و نوروزی، ۱۳۸۳). بر این اساس تصویر تجربی روشنی از حقوق فرهنگی - آموزشی شهروندان و راهبردهای تحقق آن در نظام تعلیم و تربیت ایران وجود ندارد و همین مسأله ضرورت انجام این پژوهش را برای پژوهشگر صد افزون کرده است.

پژوهش‌های انجام یافته از نظر محدوده و گستره موضوعی و سندی جامعیت لازم را ندارند. در این پژوهش علاوه بر جامعیت موضوعی و سندی، با ابداع روش شناختی در تلفیق تحلیل محتوا و تکنیک دلفی افزایش قدرت و غنای تحلیلی مسایل نیز مد نظر قرار گرفته است.

روش پژوهش

در این پژوهش از تلفیق دو روش تحلیل محتوا و تکنیک دلفی^۱ استفاده شده است. در ادامه شیوه اجرای این دو روش و تلفیق آنها تشریح شده است.

تحلیل محتوا: به منظور دست یافتن به شاخص‌های فرهنگی - آموزشی حقوق شهروندی، اسناد رسمی بالادستی در سطوح بین‌المللی و ملی و اسناد مذهبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. لیست اسناد مورد تحلیل در جدول زیر آمده است (جدول ۱)

جدول (۱): اسناد رسمی بین‌المللی، ملی و مذهبی مورد تحلیل برای استخراج شاخص‌های فرهنگی-آموزشی حقوق شهروندی

نام اسناد	نوع اسناد
اعلامیه جهانی حقوق بشر	اسناد بین‌المللی
کنوانسیون پاریس	
کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری	
کنوانسیون برن	
کنوانسیون جهانی حق مولف	
موافقت نامه ترپیس	
کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر	
کنوانسیون حقوق کودک	
قانون اساسی	اسناد ملی
قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان	
قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی	
قانون تجارت الکترونیک	
قانون مجازات اسلامی	
قانون مسئولیت مدنی	
قانون مطبوعات	
قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها، سیاسی و صنفی، انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی	اسناد مذهبی
قرآن کریم	
کتب حدیث و روایات (سنت و سیره نظری و عملی معصومین)	

تحلیل محتوا^۱ بر روی اسناد مذکور در مراحل زیر انجام یافت:

۱ - تمام متون مرتبط در اسناد (جامعه آماری) که به طور مرسوم پروتکل^۲ نام دارد، چندین بار مورد مطالعه قرار گرفت تا پژوهشگر با آنها مانوس گردد؛

1. Content Analysis
2. Protocol

شناسایی حقوق فرهنگی - آموزشی شهروندان و راهبردهای تحقق آن در...
 ۲- با مراجعه به هر پروتکل جملات و عباراتی که مستقیماً به پدیده مورد مطالعه مرتبط بود، استخراج شد. این مرحله تحت عنوان «استخراج جملات مهم»^۱ شناخته می‌شود؛
 ۳- «فرموله کردن معانی»^۲ بر مبنای واکاوی مفاهیم جملات مهم انجام شد.
 ۴- مراحل فوق برای هر پروتکل تکرار گردید و معانی فرموله شده و مرتبط به هم در خوشه‌ها^۳ از موضوعات اصلی قرار گرفت؛ در ادامه یافته‌های حاصل از داده‌های مذکور در قالب مضامین جامع شامل مضامین احصا شده، مصادیق فرعی و مصادیق اصلی در از موضوع مورد پژوهش تلفیق و دسته بندی شدند.

تکنیک دلفی: پس از شناسایی شاخص‌های فرهنگی-آموزشی حقوق شهروندی لازم است مهمترین این شاخص‌ها که قابلیت بیشتری برای به کارگیری در تصمیم‌گیری دارند «شناسایی» و «غربال» بشوند. برای دست یافتن به این هدف از روش دلفی استفاده شده است.
 پژوهش دلفی با یک پرسشنامه که توسط یک تیم کوچک طراحی شده و به گروه بزرگ‌تری از متخصصان فرستاده می‌شود آغاز می‌شود. پرسشنامه‌ها به طریقی تنظیم می‌شوند که این امکان به وجود آید تا مخاطبین ضمن استنباط کردن و فهمیدن مسئله مطرح شده، واکنش‌های فردی خود را بروز دهند. وقتی پرسشنامه‌ها برگشت، طیف پاسخ‌ها و دلایلی که متخصصان برای پاسخهای خود بیان کرده‌اند مورد بررسی قرار گرفته و خلاصه نویسی می‌شوند (دهناد، ۱۳۹۷). با توجه به اینکه پژوهشگران این پژوهش نیز بنا به ماهیت تحصیلی و شغلی خود به نحوی با موضوع تحقیق درگیر بوده از مشاهده آزاد و مشاهده مشارکتی هدفمند، نامه‌ها و مستندات اداری مدارس، تعاملات و تفکرات خود پژوهشگر برای گردآوری اطلاعات استفاده کرده‌اند، بدیهی است استفاده از اسناد و مدارک موجود در رابطه با موضوع تحقیق در این حیطه قرار می‌گیرند که مجموعه داده‌های گردآوری شده در این پژوهش با استفاده از تکنیک مثلث سازی^۴ با هم ترکیب می‌شود.

در این پژوهش نیز به منظور اجرای روش دلفی، بر مبنای یافته‌های تحلیل محتوای اسناد مورد مطالعه، سوالات مهم در زمینه مصادیق اصلی حقوق فرهنگی شهروندی، مصادیق تبعی

-
1. Extract Important Sentences
 2. Formulate Meanings
 3. Clusters
 4. Triangle
- ۲۱۷

حقوق فرهنگی شهروندی، مصادیق حقوق آموزشی شهروندی در محیط آموزش و پرورش، تهیه و در قالب پرسشنامه باز پاسخ^۱، تهیه و تدوین گردید و در اختیار خبرگان^۲ قرار گرفت. خبرگان مدنظر برای انجام این تحقیق ۱۵ نفر از مدیران و اساتید دانشگاهی در حوزه مدیریت آموزشی-آموزشگاهی و همچنین مدیران و کارشناس مسئولان مدارس دولتی بودند که به روش گلوله برفی^۳ انتخاب شدند. این خبرگان در خصوص موضوعات مرتبط با حوزه این مطالعه، ضمن داشتن وسعت نظر و آگاهی عمیق، دارای بالاترین اطلاعات تجربی و علمی هستند. بدین معنا که در این حوزه دارای سوابق و زمینه تحصیلی، آثار علمی (کتاب، مقاله) سوابق تدریس یا تحقیقاتی اند یا سمت‌ها و سوابق اجرایی مرتبط دارند یا در این زمینه تصمیم‌گیری می‌کنند. سپس نتایج این پرسشنامه‌ها دسته بندی شد و بار دیگر همان پرسشنامه به همراه نتایج قبلی در اختیار همان خبرگان قرار گرفت تا ضمن اینکه از نظرات بقیه افراد، آگاه می‌شوند، بار دیگر نظر خود را در مورد سوالات مطرح کنند. بعد از این مرحله دوباره نتایج بررسی و دسته‌بندی شد. در این مرحله نظرات افراد نسبت به مرحله قبل، از همگرایی بیشتری برخوردار شد. سپس بار دیگر همان پرسشنامه به همراه نظرات سایرین در اختیار خبرگان قرار گرفت و از آنها خواسته شد که ضمن در نظر داشتن نظرات سایر خبرگان، به سوالات پاسخ دهند. در این مرحله پس از بررسی نظرات افراد، یک هم فکری نسبی‌ای بین آنها ایجاد شد و سپس در مرحله دوم به منظور دستیابی به اجماع و اتفاق نظر در مورد استراتژی‌ها بعد از اعمال اصلاحات و پیشنهادهای مرحله اول پرسشنامه دوم به صورت بسته طراحی و بین خبرگان توزیع شد. در ادامه مبنای آزمون دوجمله‌ای برای تحلیل داده‌ها استفاده گردید. به منظور استفاده از این آزمون باید مقادیر داده‌ها را به دو گروه طبقه‌بندی کرد. لذا پاسخ‌های خیلی کم، کم و متوسط در گروه اول و پاسخ‌های زیاد و خیلی زیاد بر مبنای آزمون آماری دو جمله‌ای^۴ در گروه دوم قرار می‌گیرند.

بر اساس نتایج آزمون دو جمله‌ای استراتژی‌های پیشنهادی که در سطح معناداری بزرگتر از سطح خطای آلفا ۰.۰۵ صدم بوده است، تأیید نشده و اجماع روی این استراتژی‌ها حاصل

-
1. Open Questionnaire Answer
 2. Experts
 3. Snowball
 4. Two-Sentence Statistical Test

شناسایی حقوق فرهنگی - آموزشی شهروندان و راهبردهای تحقق آن در...
نگردید و بنابراین از فهرست استراتژی‌های شناسایی شده حذف گردید و نهایتاً فهرست نهایی استراتژی‌ها تدوین و آماده ارائه شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در پاسخگویی به دو پرسش کلیدی پژوهش در دو بخش ارایه خواهند شد. بخش اول، به دسته بندی شاخص‌های فرهنگی - آموزشی حقوق شهروندی در سطح ملی و بین‌المللی پرداخته است و بخش دوم بر اساس تکنیک دلفی به ارایه راهکارهای تحقق این حقوق در نظام تعلیم و تربیت مدارس ایران می‌پردازد.

دسته بندی شاخص‌های فرهنگی - آموزشی حقوق شهروندی

تحلیل محتوای اسناد مورد مطالعه در سه دسته بین‌المللی، ملی و مذهبی، نشان می‌دهد حقوق فرهنگی-آموزشی را می‌توان در دو دسته اصلی و تبعی دسته بندی نمود. حقوق اصلی شامل حق مالکیت معنوی، حق مشارکت فرهنگی و حق ارتقای علمی است. حقوق تبعی نیز شامل حق دسترسی آزاد به اطلاعات و حق آزادی بیان است (جدول ۲).

جدول (۲): دسته بندی مقوله‌های فرعی، اصلی و هسته‌ای استخراج شده از تحلیل محتوای اسناد ملی، بین‌المللی و مذهبی با محوریت حقوق فرهنگی-آموزشی شهروندی

مقوله‌های هسته‌ای	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	
حقوق اصلی فرهنگی - آموزشی شهروندی	حق مالکیت معنوی	حق آزادی مذهب و انجام مراسمات مذهبی	
		حقوق اقلیت‌های مسلمان	
		حقوق غیر مسلمانان	
		حقوق اقلیت‌های شناخته شده (اهل کتاب)	
	حق مشارکت فرهنگی	حق مشارکت فرهنگی	حق بر مشارکت فرهنگی و ارتقاء فرهنگ عمومی
			مشارکت فرهنگی در نظام بین‌المللی
			مشارکت فرهنگی در حقوق داخلی
			مشارکت و همراهی اقشار مختلف در زندگی فرهنگی
			خودباورسازی فرهنگی
			بومی‌سازی فرهنگی دستاوردها
			ارتقاء علمی در نظام بین‌المللی
	حق ارتقا علمی	حق ارتقا علمی	ارتقاء علمی در حقوق داخلی

مقوله‌های هسته‌ای	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
		پیشرفت علمی در برخورداری از فنون و هنرها
		سیاست گذاری دولت در استفاده از علوم و تجارب پیشرفته
		خودباورسازی علمی
		بیش‌آموزی
		بومی‌سازی علمی و فرهنگی دستاوردها
		توانمندسازی
حقوق تبعی فرهنگی- آموزشی شهروندی	حق دسترسی آزاد به اطلاعات	حق بر تعیین سرنوشت فرهنگی
		حق حمایت از حقوق فرهنگی اقلیت‌ها
		اصل برابری و عدم تبعیض بین ملت‌ها
	حق آزادی بیان	پذیرش تنوع فرهنگی در نظام بین‌المللی
		بها دادن به افکار عمومی و به کارگیری آن
		فراهم ساختن زمینه برخورد اندیشه‌ها
		مبارزه با اختناق، از طریق برگزاری بحث‌های آزاد و از انحصار در آوردن تریبون‌های عمومی
		آزادی مطبوعات و رسانه‌های گروهی
		نقش آفرینی رسانه‌های گروهی در مشارکت آگاهانه فرهنگی مردم
		مدیریت افکار عمومی و نقش سازنده آن در مشارکت آگاهانه مردم
اصل برابری و عدم تبعیض بین اعضای ملت		

در زیر به تشریح این مقوله‌های اصلی یعنی شاخص‌های فرهنگی-آموزشی حقوق بر مبنای تحلیل محتوای اسناد می‌پردازیم:

حق بر مالکیت معنوی^۱

یکی از مصادیق حقوق فرهنگی، حمایت از منافع مادی و معنوی به دست آمده از هر گونه اثر علمی، ادبی یا هنری است. اصطلاح مالکیت معنوی معادل Intellectual property در

1. The Right To Intellectual Property

شناسایی حقوق فرهنگی - آموزشی شهروندان و راهبردهای تحقق آن در... انگلیسی است. واژه **property** در زبان انگلیسی هم به معنای «حق مالکیت» به کار می‌رود و هم به معنای «مال» و «شی» که مالکیت به آن تعلق می‌گیرد. کلمه **Intellectual** معنای وصفی دارد و بر توانایی فرد به فکر کردن در یک روش عقلایی و شناخت اشیاء یا به کارگیری این توانایی دلالت دارد. در ضمن هر مذهب شامل دو عنصر است: یکی اعتقاد به نوعی جهان بینی درباره آفرینش و در رابطه بین فرد و خدا و اصولی که بیشتر با اجرای احکام شریعت و تبلیغ آن. احکامی که غالباً ناظر بر روابط افراد با یکدیگر و یا با اجتماع است و غالباً از حدود آزادی عقیده فراتر می‌رود و تمام نظم جامعه را در بر می‌گیرد؛ از این رو اعلام آزادی مذهب برای فرد متضمن دو آزادی است که شامل آزادی داشتن یا پذیرفتن یک مذهب و آزادی ابراز مذهب یا معتقدات و انجام مراسم و فرایض مذهبی است بخشی از آزادی مذهب که با حق فرهنگی شهروندی ارتباط تنگاتنگ دارد، آزادی ابراز مذهب و انجام مراسمات مذهبی است.

حق بر مشارکت فرهنگی و ارتقاء فرهنگ عمومی^۱

حقوق فرهنگی جمعی و مشارکتی به دو مقوله مشارکت در زندگی فرهنگی و پیشرفت علمی از یک سو و تعیین سرنوشت فرهنگی از سوی دیگر قابل تقسیم می‌باشد. رشد فکری از لوازم مقدمات حکومت‌های مردمی است. مطلوبیت این نوع حکومت‌ها موکول به مشارکت فرهنگی و مسؤولیت پذیری متفکرانه افراد جامعه می‌باشد. اگر قرار باشد که مردم در صحنه سیاست موضع فعالی داشته باشند و در مقام حاکمیت بر سرنوشت خویش، نمایندگان خود را آگاهانه انتخاب کنند و این نمایندگان نیز از بطن و بستر جامعه‌ای متفکر الهام گیرند، آنگاه معلوم می‌شود که آگاهی‌های عمومی هستی بخش حکومت‌های مردمی است. به عبارت بهتر، می‌توان رابطه منطقی آگاهی عمومی و مردم‌سالاری را به‌خوبی درک کرد. موضوع ارتقاء علمی و فرهنگی در نظام بین‌المللی و حقوق داخلی قابل توجه به نظر می‌رسد و براساس قسمتی از بند ۱ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فوائد آن سهیم باشد». همچنین، به‌موجب قسمتی از ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: «کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را در الف) شرکت در زندگی فرهنگی؛ ب) بهره‌مند شدن از

1. The Right To Cultural Participation And The Promotion Of Public Culture

پیشرفت‌های علمی و مجاری آن ...» به رسمیت می‌شناسد و «ج/ا، تدابیری که برای تأمین اعمال کامل این حق توسط کشورهای طرف این میثاق اتخاذ خواهد شد باید شامل تدابیر لازم برای تأمین حفظ و توسعه و ترویج علم و فرهنگ باشد.

مشارکت فرهنگی و ارتقاء علمی^۱

در زمینه مشارکت فرهنگی و ارتقاء علمی با عنایت به اصل حاکمیت مردم بر تعیین سرنوشت اجتماعی خویش (اصل ۵۶) و راهکارهای مقرر در تعیین نظام سیاسی و اداره امور کشور به اتکاء آراء عمومی، (اصول ۱۷۰) موضوع زمینه سازی مشارکت فرهنگی و ارتقاء علمی و فکری، برای بالا بردن کیفیت نقش آفرینی، در حقوق داخلی به عنوان امری اساسی، مورد توجه قرار گرفته است. در این خصوص، قانون گذار اساسی «استفاده از علوم و فنون و تجارت پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها» را یکی از راه‌های نیل به قسط و عدل و استقلال همه جانبه و همبستگی ملی قلمداد کرده (بند ب اصل دوم قانون اساسی) و دولت را موظف به «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و سایل دیگر» نموده است (بند ۲ اصل سوم) برنامه‌های دولت در استفاده از علوم و فنون، مستلزم به کارگیری استعداد‌های مردمی و سیاست گذاری دولت به منظور بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی، مستلزم آزادی رسانه‌های گروهی و ایجاد فضای مناسب برای ثمر بخشی به افکار عمومی است.

تأکید قانون گذار اساسی در برقراری ارتباط منطقی بین «استفاده از علوم و فنون» و آرمانهای «قسط و عدل، استقلال و همبستگی ملی» از طریق سیاستگذاری آموزشی و تحقیقاتی همراه با برنامه‌ریزی‌های شایسته و ایجاد مراکز متنوع پژوهشی و تقویت کارگاه‌ها، مجموعاً می‌تواند تأمین کننده حقوق فرهنگی افراد در برخورداری از پیشرفت‌های علمی باشد.

حق دسترسی آزاد به اطلاعات^۲

«حق دسترسی به اطلاعات»، نتیجه و محصول آزادی اطلاعات و به تعبیری، آزادی اطلاعات چارچوب‌بندی شده است. حق دسترسی به اطلاعات یعنی اینکه هر یک از اعضای

1. Cultural Participation And Scientific Promotion

2. Free Access To Information

شناسایی حقوق فرهنگی - آموزشی شهروندان و راهبردهای تحقق آن در...
جامعه بتواند تقاضای دسترسی به اطلاعاتی را داشته باشد که در یکی از مؤسسات عمومی نگهداری می‌شود و آن مؤسسه جز در موارد استثنایی و احصاء شده و مشخص، اطلاعات درخواستی را در اختیار متقاضی قرار دهد. این دسترسی از نظر تولید علم از آن روست که بسیاری از پژوهش‌های علمی و فنی و ادبی و هنری در برخی جوامع همانند جامعه ما در دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی انجام می‌شود. داده‌های ارزشمند و متنوع غالباً با استفاده از کمک‌های مستقیم یا غیرمستقیم دولت و در قالب قراردادهای پژوهشی با دولت تولید می‌شوند. دسترسی آزاد به این داده‌ها یا اطلاعات و انتشار کامل نتایج پژوهش‌ها برای پیشرفت علم و نظام نوآوری جنبه حیاتی دارند. به نحوی که در قوانین و مقررات برخی از کشورهای جهان بر اهمیت این مطلب تأکید شده و سازوکارهای قانونی در حمایت از آن پیش بینی شده است.
نظام حقوق و سیاستگذاری پژوهشی برخی کشورها، به گونه‌ای جهت‌گیری کرده‌اند که بیش از پیش به تولید داده‌های علمی و انتشار و اشاعه آنها و به طور کلی قابل دسترس بودن داده‌ها و نتایج پژوهش‌های علمی برای دانشمندان و پژوهشگران و عموم علاقمندان کمک کنند. در این راستا، به ویژه داده‌ها و پژوهش‌های تولید شده در مؤسسات پژوهشی دولتی یا داده‌ها و پژوهش‌هایی که با استفاده از منابع دولتی تهیه و تولید می‌شوند در اولویت قرار گرفته و با استفاده از روش‌های مختلف تلاش شده است اصل قابل دسترس بودن حداکثری داده‌ها و پژوهش‌های مذکور جنبه عملیاتی و اجرایی به خود بگیرد. از سوی دیگر، دستیابی به دیگر حقوق فرهنگی و آموزشی از قبیل حق آموزش و پرورش، حق مشارکت فرهنگی و ارتقاء علمی، حق آزادی بیان، حق تعیین سرنوشت فرهنگی و غیره نیازمند دسترسی آزاد به اطلاعات است. بنابراین، حق دسترسی آزاد به اطلاعات را می‌توان مقدمه سایر حقوق آموزشی و فرهنگی دانست و از آنجا که یک حق مستقل و اصلی برای بشر به حساب نمی‌آید و چون مقدمه امر لازمی قرار گرفته است، مورد توجه است، ما از آن به عنوان یکی از حقوق تبعی فرهنگی آموزشی شهروندی تعبیر می‌کنیم.

حق آزادی بیان^۱

اهمیت و جایگاه آزادی بیان در یک نظام حقوقی و مفهومی که از این آزادی ارائه می‌شود، آثار بسیار مهمی بر وضع، اجرا و تفسیر قوانین و مقررات رسانه‌ای و به دیگر سخن بر وضعیت حقوقی رسانه‌ها و مسائل آن دارد (معصومی، ۱۳۹۶).

حال در اهمیت این حق باید گفت که بنیادی‌ترین حق و سائل ارتباط جمعی است. دیگر آزادی‌ها و حقوق رسانه‌ای همانند حق دسترسی به اطلاعات، حق انتقاد، حق استقلال رسانه‌ای، لزوم حمایت از تکثرگرایی رسانه‌ای، منع سانسور و حق انتشار آزاد نیز ریشه در آزادی بیان دارند و به شدت از آن متأثرند (انصاری، ۱۳۸۶). با نگاهی به قوانین مختلف در این زمینه از جمله با قانون اساسی، قوانین عادی و قوانین و قواعد حقوق بشر و بحث‌هایی که حقوق دانان در این خصوص داشته‌اند در می‌یابیم که به شکل‌های مختلف سعی در دفاع از این حق بعنوان یک حق طبیعی و اقدام در جهت تثبیت آن بعنوان یک اصل حقوقی شده است. در این بین مطبوعات و رسانه‌های گروهی و همچنین افکار عمومی نقش مهم و سازنده‌ای در مشارکت آگاهانه مردم ایفا می‌کنند. قانون‌گذار اساسی، در مقام مقابله با انحرافات و خودسری‌های حکومتی، در اصل بیست و چهارم، نشریات و مطبوعات را در بیان مطالب، به شرط رعایت مبانی اسلام، آزاد می‌گذارد و در اصل یکصد و هفتاد و پنجم، تأمین آزادی بیان و نشر افکار را با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور، لازم مقرر می‌دارد. نظارت قضایی بر مطبوعات نیز باید ریشه مردمی داشته باشد تا از نفوذ و اقتدار یک‌جانبه حکومتی کاسته شود.

راهکارهای تحقق شاخص‌های فرهنگی - آموزشی حقوق شهروندی در نظام تعلیم و

تربیت مدارس ایران بر اساس فن دلفی

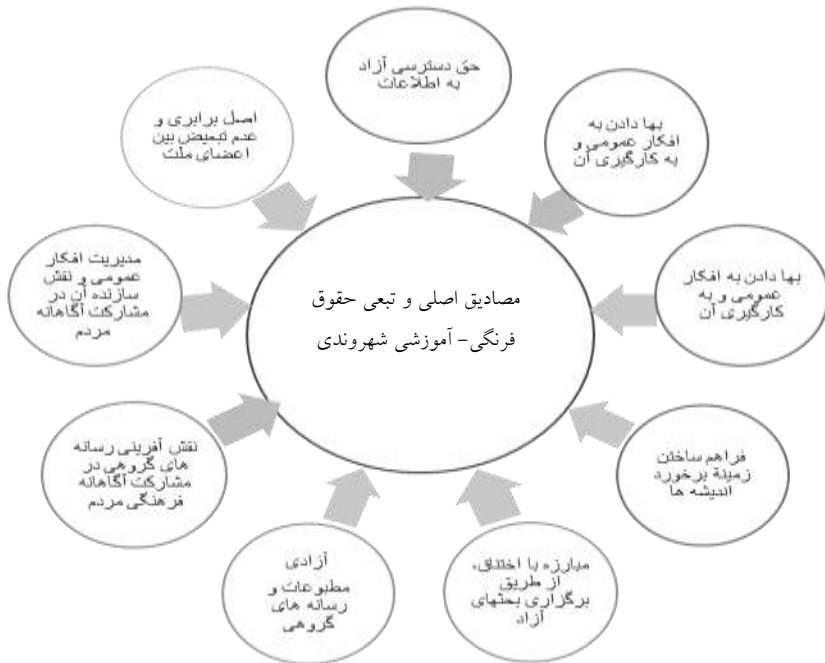
بخش دوم نتایج پژوهش به راهکارهایی مربوط می‌شود که بر اساس دسته بندی راهکارهای نخبگان مورد مصاحبه درباره تحقق شاخص‌های فرهنگی-آموزشی حقوق شهروندی در نظام تعلیم و تربیت مدارس ایران با فن دلفی به انجام رسیده است. یافته‌های اجرای تکنیک دلفی را می‌توان در دو بخش غربال‌گری و ارائه و تدوین فهرست نهایی استراتژی‌ها ارایه نمود.

غربال‌گری شاخص‌ها

شاخص‌های شناسایی در بخش تحلیل محتوای اسناد بر اساس تکنیک دلفی غربال شدند. در اثر این غربال‌گیری تغییرات زیر اعمال گردید:

۱. حذف راهبردهای «حذف سلطه‌گری وزارت آموزش و پرورش بر مدارس و دخالت‌های این وزارتخانه در امور خرد و کلان مدارس»؛ علت این امر آن است که این کد چندان گویای مفهوم اصلی یعنی وابستگی تصمیم‌گیری‌های مدارس به شوراهای بالادستی (خارج از مدرسه) به نظر نمی‌رسد و با توجه به اینکه مدارس زیر سیستم وزارت آموزش و پرورش محسوب می‌شوند، این مفهوم ذهن مخاطب را با موضوع احترام به وجوبات سازمانی از قبیل رعایت اصل سلسله مراتب درگیر می‌سازد.
۲. چهار مفهوم تأثیر تحریم‌ها بر مهارت‌محوری آموزش‌ها، تأثیر تحریم‌ها بر توجه به بومی‌سازی تحقیقات در امتیازهای ترفیع معلمان و دانشجو معلم‌ها، تأثیر تحریم‌ها بر بازنگری آیین‌نامه‌های ترفیع و ارتقا و تأثیر تحریم‌ها بر نیازسنجی محیطی آموزش‌ها از شرایط مداخله‌گر محدودکننده حذف شدند و استراتژی «بومی‌سازی آیین‌نامه‌های ترفیع و ارتقا، متناسب با نیازسنجی محیطی» در قالب سازوکارهای قانونی و نظارتی قرار گرفت.
۳. افزودن «مدیریت نگاه منفی به توانایی‌های کارکنان بانگیزه و کدر بودن شفافیت‌ها»، به‌عنوان شرایط مداخله‌گر محدودکننده سازوکارهای حمایتی و انگیزشی شناخته شد.
۴. ادغام راهبرد «تأمین بهداشت روانی» با «سازوکارهای محبت‌زا و عاطفه‌ساز در جو دانشگاه» شرایط مداخله‌گر تسریع‌کننده سازوکارهای حمایتی و انگیزشی شناخته شد.
۵. در نظر گرفتن راهبرد توانمندسازی اقتصادی-رفاهی در دسته بندی سازوکارهای حمایتی و انگیزشی در نظر گرفته شد.
۶. تقسیم‌بندی حمایت از اعضای آموزش و پرورش دو دسته نشاط فردی و سازمانی و به عنوان سازوکارهای حمایتی و انگیزشی در نظر گرفته شد.
۷. تعدادی از راهبردها به این دلیل که نیازی به تکرار مجدد مفاهیم مشابه نیست حذف شدند.

تصویر شماره (۱): مصادیق اصلی و تبعی حقوق فرهنگی شهروندی



ارائه و تدوین فهرست نهایی استراتژی‌ها

پس از غربال شاخص‌ها فهرست نهایی استراتژی‌ها تدوین شد که در زیر ارائه می‌شود:

بر مبنای نظر نهایی نخبگان، الف) سازوکارهای فرهنگی و نظارتی، ب) سازوکارهای حمایتی و انگیزشی، ج) سازوکارهای قانونی^۳ و د) سازوکارهای نظارتی^۴، چهارراهکار راهبردی^۵ بودند که در قالب هفده راهکار عملیاتی^۶ شامل: جذب مشارکت‌های خیرانه، آگاهی بخشی اجتماعی، بهره‌مندی از ظرفیت‌های غیر دولتی، تقویت بنیه دانش علمی - عملی، شفافیت در مدیریت اعتبارات، تعیین دقیق شرح وظایف نهادهای دولتی و غیر دولتی مرتبط، شفاف سازی الزامات آموزشی و پرورشی، ارائه شاخص‌های معتبر ارزیابی، معافیت‌های مالیاتی، مشوق‌های عملکردی، جذب تسهیلات بلند مدت، توانمندسازی فردی و سازمانی منابع انسانی،

1. Cultural And Regulatory Mechanisms
2. Supportive And Motivational Mechanisms
3. Legal Mechanisms
4. Monitoring Mechanisms
5. Strategic
6. Operational

شناسایی حقوق فرهنگی - آموزشی شهروندان و راهبردهای تحقق آن در...
 حمایت‌های مادی در سطح فردی، بازنگری در روز آمدی قوانین، ایجاد ضمانت‌های اجرایی
 برای قوانین، تدوین متمم‌های قانونی مشارکت برانگیز با بخش خصوصی^۱، به منظور ایفای
 حقوق فرهنگی - آموزشی در نظام تعلیم و تربیت مدارس ایران، توسط خبرگان تحقیق
 پیشنهاد شدند؛ در بخش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری تحقیق، موارد مذکور تبیین شده‌اند.



تصویر شماره (۲): راهکارهای های پیاده سازی حقوق شهروند فرهنگی- آموزشی در نظام تعلیم و
 تربیت مدارس (بر مبنای یافته‌های تحقیق)

1. Attracting Charitable Partnerships, Social Awareness, Benefiting From Non.Governmental Capacities, Strengthening The Scientific-Practical Knowledge, Transparency In Credit Management, Accurate Determination Of The Duties Of Related Governmental And Non-Governmental Institutions, Transparency Of Educational And Training Requirements, , Provide Valid Evaluation Indicators, Tax Exemptions, Performance Incentives, Long-Term Facility Acquisition, Individual And Organizational Empowerment Of Human Resources, Material Support At The Individual Level, Review Of Up-To-Date Laws, Create Executive Guarantees For Laws, Formulate Amendments Legislative Partnership With The Private Sector

بحث و نتیجه‌گیری

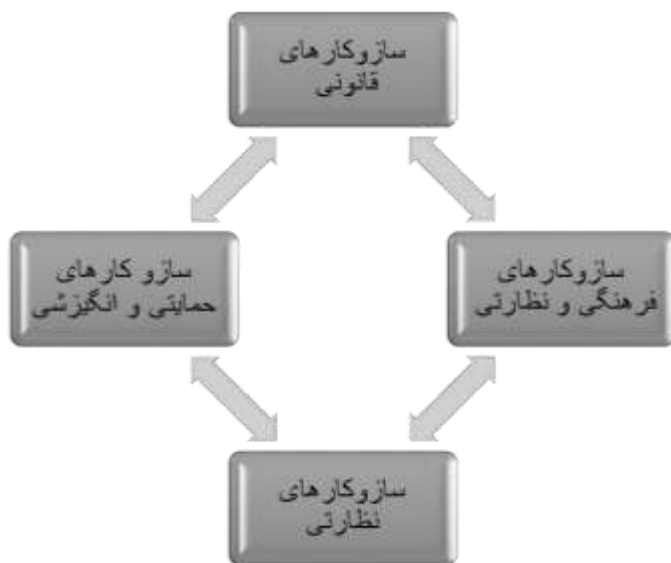
نتایج پژوهش بر اساس تحلیل محتوای اسناد مورد مطالعه در سه دسته بین‌المللی، ملی و مذهبی، نشان می‌دهد حقوق فرهنگی-آموزشی را می‌توان در دو دسته اصلی و تبعی دسته بندی نمود. حقوق اصلی شامل حق مالکیت معنوی، حق مشارکت فرهنگی و حق ارتقای علمی است. حقوق تبعی نیز شامل حق دسترسی آزاد به اطلاعات و حق آزادی بیان است. عمده مبانی حقوقی این شاخص‌ها، اسناد بین‌المللی همچون اعلامیه حقوق بشر، کنوانسیون‌های مختلف، قانون اساسی و قوانین عادی می‌باشد و مبانی فقهی آنها آیاتی از کتاب، سنت، بناء عقلا و برخی قواعد فقهی است.

شاخص‌های شناسایی شده هر چند شباهت‌هایی با شاخص‌های شناسایی شده پژوهش عبدی و کاوسی (۱۳۹۳) و نتایج تحقیق میرباقری و همکاران (۱۳۹۸) دارد، اما جامعیت این شاخص‌ها در مقایسه با پژوهش‌های مذکور بیشتر است. این پژوهش‌ها از منظری محدود مثل توسعه فرهنگی و یا فقه به مسئله توجه نموده‌اند. برخی پژوهش‌ها نیز مانند پژوهش زنجانی و حیدرنژاد (۱۳۹۸) محدود به اسناد تاریخی مذهبی و اسناد ملی مانند قانون اساسی هستند. از طرف دیگر در هیچکدام از پژوهش‌های انجام یافته از روش تلفیقی تحلیل محتوا و تکنیک دلفی به این منظور استفاده نشده است و نتایج این پژوهش از این منظر بکر و جدید است. بر این اساس در این پژوهش اهمیت و اولویت شاخص‌های حقوق فرهنگی-آموزشی و شیوه تحقق آنها در نظام تعلیم و تربیت بر اساس اجرای تکنیک دلفی مورد آزمون قرار گرفته است. بر اساس نتایج پژوهش چهار راهکار راهبردی سازوکارهای فرهنگی و نظارتی؛ حمایتی و انگیزشی، قانونی، و نظارتی در قالب هفده راهکار عملیاتی برای تحقق این شاخص‌های فرهنگی-آموزشی در نظام تعلیم و تربیت مدارس ایران، توسط خبرگان تحقیق پیشنهاد شدند (تصویر شماره ۳). تحقق این راهکارها نیازمند مسئولیت و تعهدات دولت در حوزه فرهنگ هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی است. این امر نشان دهنده پذیرفته شدن و لازم دانستن مداخله دولت در حوزه حقوق فرهنگی شهروندان است. چنانچه این مداخلات در قالب قانون صورت پذیرند، اقدامی مؤثر در جهت برقراری دموکراسی در جوامع محسوب می‌شوند. در راستای تضمین حق آموزش به عنوان یکی از حقوق شهروندی؛ چارچوب اجرایی در قالب سازوکارهای نظارتی، پایش و تضمین کیفیت، سازوکارهای قانونی،

شناسایی حقوق فرهنگی - آموزشی شهروندان و راهبردهای تحقق آن در...

سازوکارهای حمایتی و انگیزشی و سازوکارهای فرهنگی و اجتماعی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

تصویر شماره (۳): مدل پیاده سازی حقوق شهروند فرهنگی - آموزشی در نظام تعلیم و تربیت مدارس (بر مبنای یافته‌های تحقیق)



شکل: مدل پیاده سازی حقوق شهروند فرهنگی - آموزشی

سازوکار نظارتی: یافته‌های وضع موجود نشان داد عمده‌ترین نقطه ضعف روش‌های فعلی مشارکت بخش خصوصی و یکی از مهمترین عوامل بازدارنده توسعه مشارکت بخش خصوصی، نبود نظارت و کنترل کافی است. از آنجایی که برداشت بازار آموزش و مشتریان و دست اندرکاران از کیفیت آموزش در استقبال یا مقاومت نسبت به آن موثر می‌باشد و کیفیت پایین آموزش می‌تواند به این وجهه آسیب وارد کند و به سیاست‌های معکوس در این زمینه منتهی شود، تضمین کیفیت و وجود سیستمی برای ارتقای آن حیاتی می‌باشد و با عنایت به اینکه سیستم نظارت و پایش و تضمین کیفیت از عوامل کلیدی موفقیت در این زمینه محسوب می‌شود؛ تدوین چارچوب مقرراتی برای کنترل و نظارت کافی بر رفتار مؤسسات و مدارس خصوصی ضروری است. از این طریق می‌توان اطمینان کافی حاصل کرد که حرکت در مسیر درست و در راستای اهداف و فلسفه خصوصی سازی آموزش و پرورش در کشور و با حفظ

منافع گروه‌های ذینفع صورت می‌گیرد. بر این اساس سازوکار نظارتی بر اساس تدوین یک چارچوب مقرراتی و تنظیمی مشتمل بر موارد زیر ضروری است:

- تعیین شرایط و معیارهای شفاف برای مشخص کردن میزان اعتبارات و یارانه‌های دولتی و غیر دولتی (معادل کل هزینه‌های تحصیلی، معادل شهریه مدارس، به ازای هر دانش‌آموز) و چگونگی آن در قبال رعایت مقررات و استانداردهای حوزه‌های مختلف عملکردی، تخصیص یارانه به مدارس مشروط به کسب اعتبار از نهادهای اعتبار سنجی، یا رعایت حداقل استانداردها.
- ارائه شاخص‌های معتبر برای تدوین معیارهای تعیین شهریه، و حدود و ثغور آن
- تعیین دقیق شرح وظایف و مسولیت‌های دولت، مدرس، مردم و نهادهای غیر دولتی در نظارت بر عملکرد مدارس و چگونگی اعمال این نظارت.
- شفاف سازی الزامات آموزشی و پرورشی برای کسب مجوز راه اندازی مدرسه غیر دولتی و ادامه فعالیت آن، نظیر گزارش دهی مستمر موسسات و مدارس در خصوص آمار دانش‌آموزان، کارکنان، منابع مالی و حسابها و ارسال به نهاد اعتبار سنجی یا دفتر نظارت به عنوان یک الزام.

سازوکارهای قانونی: مسئولیت دولت در قبال حقوق فرهنگی شهروندانش در قالب تعهدات ایجابی و سلبی قابل تصور است. بدین ترتیب دولتها گاه ملزم به دخالت و حمایت و گاه عدم دخالت (به معنای مانع ایجاد نکردن در جهت استیفای این حقوق) می‌شوند. الزاماتی که دولتها به موجب اسناد بین المللی می‌پذیرند، یکی از دلایل وارد شدن این حقوق شناخته شده در قوانین و مقررات داخلی کشورهاست.

قانون اساسی، قوانین عادی و اسناد و برنامه‌های توسعه از جمله قوانینی هستند که به نوعی در بردارنده حقوق فرهنگی بوده و تعهدات دولت‌ها را در قبال آن تعریف می‌کند. در کشور ما نیز هم در قانون اساسی به عنوان مادر قوانین و هم در قوانین عادی، این حوزه مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در این میان چشم انداز فرهنگی به طور ویژه و خاص، جایگاه ایران را در عرصه فرهنگ، در افق ۱۴۰۴ ترسیم نموده است. بر این اساس پیشنهادهای زیر توسط نخبه‌ها در جهت سازوکارهای قانونی ارایه شده است:

شناسایی حقوق فرهنگی - آموزشی شهروندان و راهبردهای تحقق آن در...

- با توجه به اینکه یکی از محدودیتهای توسعه مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش، اصل سی ام قانون اساسی مبنی بر رایگان بودن آموزش و پرورش است، لذا برای برداشتن این محدودیت لازم است متممی بر اصل قانونی فوق افزوده شود تا مشارکت بخش خصوصی تسهیل شود.
- با توجه به اینکه برخی از اشکال پیشنهاد شده خصوصی سازی، و نهادها و ساختارهای ارائه شده در مدل، سابقه‌ای در کشور ما ندارد (مثل مدارس زنجیره‌ای) ورود سرمایه‌گذار به این بخش و اجرای آنها نیازمند سازوکارهای تشویقی و حمایتی است که باید این حمایت‌ها و مشوق‌ها در قالب قانون درآید و از ضمانت اجرایی برخوردار گردد.
- همچنین لازم است آیین‌نامه‌های اجرایی برای اجرای موفق این روش‌ها تدوین و اعمال شود. برای مثال در حال حاضر میزان استفاده از روش «آموزش در خانه» با عقد قراردادهای مختلف بسیار اندک می‌باشد. تدوین آیین‌نامه‌هایی برای چگونگی اجرای فرایند این روش‌ها و تضمین تحقق اهداف مورد نظر آنها ضروری می‌نماید.

سازوکارهای حمایتی و انگیزشی: به نظر می‌رسد با توجه به شرایط فعلی کشور و دنبال کردن سیاست عدالت محوری، قانون تحول اقتصادی و هدفمندی یارانه‌ها، زمینه اجرای روش اعطای وام و بورس تحصیلی به گروه‌های ویژه در کشور مهیا باشد. فروش خدمات آموزشی و پرورشی و اجاره زیرساخت‌ها نیز هم از نظر قانونی امکان اجرای آن مورد تصویب قرار گرفته است و هم در صورت برنامه‌ریزی درست و اعمال نظام مقرراتی مناسب می‌تواند علاوه بر کاهش بار مالی دولت به بهبود توانایی دانش‌آموزان در زمینه خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی که یکی از نارسایی‌های نظام فعلی آموزش و پرورش است منتهی شود. به علاوه در منابع راکد آموزش و پرورش حرکت ایجاد می‌کند و بخشی از محدودیت‌های این نهاد و مشکلات سایر نهادها را مرتفع می‌سازد.

با توجه به اینکه در بررسی وضع موجود، توسعه مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش با موانعی روبروست، به علاوه ارزیابی میزان آمادگی کشور برای توسعه مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش در تمامی موارد در حد کم، و نظام بانکی و اعتباری تسهیل کننده و تسریع کننده در حد متوسط ارزیابی شده است. گام برداشتن در مسیر

خصوصی سازی و مشارکت این بخش، به ویژه در حوزه حساسی مانند آموزش و پرورش بدون آمادگی و بسترسازی و فراهم کردن الزامات با ریسک همراه خواهد بود. بر این اساس سازو کارهای حمایتی و انگیزشی زیر توسط نخبه‌ها پیشنهاد شده است.

• حمایت‌های مادی از جمله اعطای وام و کوپن آموزشی، تعیین گروه‌های هدف برای اعطای تسهیلات

• اتخاذ رویکردی آنکوباتوری (پشتیبانی و حمایت تا بدست آوردن استقلال) از طریق در نظر گرفتن معافیت‌های مالیاتی دوره‌ای برای ارائه دهندگان بخش خصوصی و نیز معافیت مالیاتی برای افراد و سازمان‌هایی که در زمینه پرداخت شهریه دانش‌آموزان و راه اندازی مدارس خصوصی کمک می‌کنند.

• در نظر گرفتن مشوق‌های عملکردی برای مؤسسات (ارتباط دادن اعطای اعتبارات دولتی و غیر دولتی از جمله تحقیقات و اعتبارات مالیاتی و کمک‌های بلاعوض سازمان‌های خیریه و غیر دولتی با عملکرد مؤسسات و رعایت استانداردها و معیارهای عملکردی برای ایجاد انگیزه در جهت ارتقاء عملکرد).

• با توجه به اینکه یکی از دلایل عدم ورود به بازار آموزش و یا خروج از آن، استیجاری بودن مدارس و هزینه‌های بالای آن، و عدم کفایت منابع مالی است؛ تسهیلاتی نظیر واگذاری زمین با اقساط طولانی مدت، اجاره به شرط تملیک، وام کم بهره، وام قرض الحسنه، تقبل بخشی از هزینه‌های ساخت و راه اندازی مدارس جدید مفید خواهد بود.

• ظرفیت سازی مستمر نیروهای بخش خصوصی و تزریق دانش و مهارت‌های جدید آموزشی، فنی و مدیریتی و نوآوری‌های برنامه درسی، بهبود روش‌های ارزشیابی؛ جهت بالندگی بیشتر این بخش و تشویق به ادامه فعالیت.

• افزایش ظرفیت کارآفرینی مدیران و معلمان جهت مشارکت در بخش غیر دولتی آموزش و پرورش.

سازوکارهای فرهنگی و نظارتی: در این بخش نیز پیشنهادهاى زیر توسط نخبه‌ها ارایه شده است:

- شناسایی حقوق فرهنگی - آموزشی شهروندان و راهبردهای تحقق آن در...
- با عنایت به تجربیات جهانی و سابقه طولانی وقف و کمک‌های خیرخواهانه و داوطلبانه در کشور، جهت استفاده از ظرفیت‌های بالقوه این بخش در جهت رفع محدودیت‌های آموزش و پرورش و کمک‌های مالی و معنوی، اطلاع رسانی و فرهنگ سازی از طرق مختلف و از طریق ارتباطات میان بخشی و فرابخشی ضرورت دارد.
 - اطلاع رسانی و آگاهی بخشی اجتماعی در خصوص مزایا و محدودیت‌های بالقوه مشارکت بخش خصوصی، اشکال مختلف خصوصی سازی در آموزش و پرورش، ضرورت و فرصت‌ها و چالش‌های آن از طریق فعالیت‌های میان بخشی و فرابخشی و با کمک اصحاب رسانه.
 - فراهم کردن زمینه استفاده از سازمان‌های غیردولتی برای افزایش آگاهی عمومی، آموزش و اطلاع رسانی و ظرفیت سازی.
 - افزایش غنای علمی و نظری و پاسخگویی واقعی به محیط بومی و ملی مستلزم ایجاد کرسی نظریه پردازی در زمینه خصوصی سازی در آموزش و پرورش می‌باشد.

منابع

- (۱۹۶۰) کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش پاریس، ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰، پاریس: کمیسیون ملی - یونسکو ایران.
- انصاری، باقر (۱۳۸۶) آزادی اطلاعات، تهران: انتشارات دادگستر.
- انصاری، باقر (۱۳۸۶) حقوق ارتباط جمعی، تهران: سمت.
- بخارایی، احمد، شربتیان، محمد حسن، کبیری، لیلا (۱۳۹۶). تحلیل جامعه شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی (مطالعه موردی: شهروندان تنکابن). جامعه شناسی کاربردی، دوره ۲۸، شماره ۲، ۱۷۶-۲۱۶.
- بیات کمیتکی، مهناز؛ یزدان پناه، زین العابدین؛ و بالوی، مهدی (۱۳۹۷) از حقوق بشر تا حقوق شهروندی؛ از فاعلیت تا مشارکت، دیدگاه‌های حقوق قضایی تابستان، شماره ۸۲، ۳۰-۱.

فصلنامه مطالعات برنامه درسی، شماره ۶۷، سال هفدهم، زمستان ۱۴۰۱

جمال‌الدین زنجانی، محمود؛ حیدر نژاد، ولی‌الله (۱۳۹۸) حقوق فرهنگی در فرمان حکومتی حضرت رسول (ص) به معاذ بن جبل با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،

فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره ۸، شماره ۶۲، ۲۳-۴۳.

جووری، بهنوش؛ محمدی مقدم، یوسف؛ قهرمانی قاجار، سوسن؛ حسن مرادی، نرگس (۱۳۹۸) کاوشی داده‌بنیاد بر موانع سازمانی نشاط‌آفرینی در محیط دانشگاه (مورد مطالعه دانشگاه الزهرا)، مدیریت در دانشگاه اسلامی، دوره ۸، شماره ۱۸، ۳۵۰-۳۲۹.

دهناد، م (۱۳۹۷) لنگرهای شعلی (رساله دکترا)، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال. روحانی، حسن (۱۳۹۵) منشور حقوق شهروندی، تهران: معاونت تدوین، تقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری.

شیانی، ملیحه و طاهره دالوند (۱۳۹۰) بررسی تطبیقی شهروندی در دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه آزاد اسلامی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۲، شماره ۳، ۳۷-۶۲. شیانی، ملیحه (۱۳۸۲) وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، رساله دکتری جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

طاهری حاجی وند، احسان، جمالی، حمید رضا (۱۳۹۵). بررسی منشاء انسان شناختی حقوق فرهنگی بشر، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات میان فرهنگی، دوره ۱۱، شماره ۲۹، ۱۱۱-۸۱.

عبدی، مصطفی، کاوسی، اسماعیل (۱۳۹۳) طراحی و ارائه الگوی سنجش توسعه فرهنگی در کشور ایران با استفاده از نظریه داده بنیاد. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۱، ۹۳-۱۱۰.

فتحی، سروش و مریم ثابتی (۱۳۹۱) توسعه ساختار سازمانی شهری و گسترش فرهنگ شهروندی، مطالعات شهری، شماره ۲، ۱۵۹-۱۹۲.

فیتزپتریک، تونی (۱۳۸۱) نظریه رفاه، ترجمه هرمز همایون پور، تهران: گام نو. کاووسی، اسماعیل (۱۳۹۷) ارزیابی جایگاه مولفه‌های حقوق فرهنگی در نظام توسعه فرهنگی ایران، فصلنامه حقوق اداری، سال ششم، شماره ۱۶، ۱۷۹-۱۵۷.

- شناسایی حقوق فرهنگی - آموزشی شهروندان و راهبردهای تحقق آن در...
 لطف آبادی، حسین (۱۳۸۵) آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام
 ارزشی دانش‌آموزان، فصلنامه علمی-پژوهشی نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، ۴۲-۱۱.
 لطف آبادی، حسین، نوروزی، وحیده (۱۳۸۳) نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی
 ایران و جهانی شدن و تاثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان، فصلنامه علمی-
 پژوهشی نوآوری‌های آموزشی، شماره ۹، ۸۸-۱۱۹.
 محسنی، رضاعلی (۱۳۹۸) ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی؛ راه کارهایی برای تربیت و آموزش
 حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۱۷-۱۴۴
 معصومی، جمشید (۱۳۹۶) آزادی بیان و مبانی آن، تهران: انتشارات میزان.
 مهدوی، سید محمد صادق، عاشوری، علی (۱۳۹۳) بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر
 ارتقاء فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهر بوشهر). *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، شماره
 ۴، ۲۳-۳۶.
 میرباقری طباطبایی مهرآبادی، فاطمه‌سادات؛ خزائی، احمد رضا (۱۳۹۸) حقوق فرهنگی شهروندی
 از نگاه فقهی، مجله اخلاق زیستی، سال نهم، شماره ۳۱، ۱۱۹-۱۰۶.
 نیسی، فرانک؛ مشهدی، علی (۱۳۹۷). تعهدات فرهنگی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل با تأکید بر
 آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در زمینه حق‌های فرهنگی، شماره ۳، ۵۳-۶۶.
 Bellamy, Richard, (2014). *The theories and practices of citizenship*, in
 Bellamy, Richard and Kennedy-Macfoy, Madeleine (ed) , *citizenship*
 (Critical Concepts in Political Science) , volume I, Routledge.
 Bellamy, Richard (2008). *Citizenship (a very short introduction)*. Oxford:
 Oxford University Press.
 Caetano, J. C. R (2013). *Citizenship and Civil Society, Migration and
 Integration in European Discourse, Law and Policies*, P.6. Available
 At: <https://koppa.jyu.fi/en/courses>.
 Dzatková, Veronica (2016). *The Role of Civil Society in Public
 Governance*, RAP, 2., 373-383.
 Freden, M (1990) *Right, Milton Keynes*; Open University Press.

Marshall T. H (1965) *Class, Citizenship, and Social Development*, New York: Anchor.

Turner, B.S (2001). *The Erosion of Citizenship*, *The British Journal of Sociology*.

Turner, B.S (2006). *Global Sociology and the Nature of Rights*, In *Societies, without Borders*.